

# جایگاه تعلیم و تربیت در اندیشه و عملگرده شیخ محمد عبده

دکتر مهدی جلیلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

شیخ محمد عبده از طرفداران اصلاح اندیشه اسلامی است که به عنوان یکی از مریدان برجسته سیدجمال در مصر به شمار می‌رود. شیخ محمد عبده بر خلاف سیدجمال که معتقد بود اول باید حکومت اصلاح شود، اعتقاد داشت که باید نظام تعلیم و تربیت اصلاح شود تا جامعه اصلاح گردد لذا تربیت اخلاقی و آمادگی فکری را بر مبارزه سیاسی مقدم می‌دانست. او خواهان اصلاح تدریجی بود و از مطبوعات به عنوان وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت و زمینه‌ساز اصلاح اجتماعی بهره می‌برد. اقدامات عبده برای اصلاح برنامه‌های آموزشی الازهر واجد اهمیت است. او علاوه بر اصلاح برنامه مراکز آموزشی در صدد اصلاح افکار توده مردم بود و در این جهت مناسبترین راه یعنی تفسیر قرآن را انتخاب کرد و اصلاحات اجتماعی وسیعی در زمینه‌های مختلف در مصر به وجود آورد.

### شکل‌گیری شخصیت عبده

دومین شخصیتی که نامش به عنوان مصلح در جهان تسنن بویژه در جامعه عرب بر سر زبانهاست، شیخ محمد عبده (۱۸۴۹ - ۱۹۰۵) است. وی از مریدان و همکاران نزدیک اسدآبادی بود. تلاش عبده برای احیای مجدد تفکر اسلامی را می‌توان در دو دوره جداگانه مورد بررسی قرار داد: دوره آشنایی و همکاری وی با سیدجمال‌الدین اسدآبادی و دوره جدایی از اسدآبادی و گرایش به اصلاح اجتماعی. وی از آغاز تحصیل، افکار اصلاحی در سر داشت و روش تدریس الازهر را نمی‌پسندید. او با ارتباط با شیخ درویش، دایی پدرش با علومی آشنا شد که در الازهر از آن خبری نبود.<sup>۱</sup> در این مرحله عبده با اسدآبادی آشنا شد و نزد او علوم ریاضی، فلسفه و کلام آموخت.<sup>۲</sup> عبده در دوره اقامت هشت ساله اسدآبادی در مصر از همه مریدان به او نزدیکتر بود. او که در سال ۱۲۹۴ از الازهر گواهینامه علمی دریافت کرد در الازهر به تدریس پرداخت.<sup>۳</sup> دو سال بعد از تدریس در الازهر به عنوان استاد دارالعلوم،<sup>۴</sup> که به تازگی برای تربیت معلم و قاضی تأسیس شده بود و در مدرسه زبانهای خارجی مصر، به تدریس پرداخت.<sup>۵</sup> عبده در منزل خود مجلس درسی ترتیب داد و برای برخی از دانشجویان، کتاب تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه و تاریخ تمدن اروپا اثر فرانسوا پیرگیزور را، که به عربی برگردانده شده بود، تدریس می‌کرد.<sup>۶</sup>

عبده که در صدد بود تحولی در برنامه آموزشی به وجود آورد، هنگام تدریس تاریخ در دارالعلوم به جای خلاصه کامل ابن‌اثیر یا تاریخ طبری، مقدمه ابن‌خلدون را به عنوان کتاب درسی انتخاب کرد.<sup>۷</sup> بعد از بنیاد حزب وطنی به وسیله اسدآبادی، عبده به عنوان مرد شماره ۲ حزب یاد شده فعالیت داشت.<sup>۸</sup> بدین ترتیب عبده، که در ابتدا به فعالیت‌های اجتماعی توجهی نداشت، ناخواسته وارد فعالیت‌های سیاسی شد و بتدریج در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی مصر درگیر شد، ولی روش او در همه حال محافظه‌کارانه بود. عبده برای مردم مصر، که گرفتار بیسوادی و نادانی بودند، تربیت اخلاقی و آمادگی فکری را بر مبارزه سیاسی مقدم می‌دانست و اصلاح تدریجی را بر

اقدام انقلابی ترجیح می‌داد.<sup>۱۰</sup> بعد از اخراج اسدآبادی از مصر، عبده نیز ممنوع التدریس شد.<sup>۱۰</sup>

فعالتهای سیاسی اسدآبادی و عبده در مصر به قیام عربی پاشا منجر گردید و پس از شکست او و اشغال مصر توسط انگلیس، عبده از مصر تبعید شد. عبده نه تنها با قیام عربی پاشا موافق نبود بلکه هر انقلابی که توسط ارتش در مصر روی دهد را نیز نمی‌توانست تأیید کند، زیرا او به انقلاب نظامی و سیاسی اعتقادی نداشت و بیش از هر چیز به تحول نیرومند فرهنگی و تربیتی و اجتماعی عقیده داشت و در سراسر زندگی خود در این راه تلاش کرد.<sup>۱۱</sup>

عبده بعد از اخراج از مصر به بیروت رفت و سه سال در آنجا توقف داشت. او در این دوره از هر فرصتی برای اصلاح در هر نقطه از سرزمینهای اسلامی استفاده کرد؛ از جمله چون با خبر شد که سلطان عبدالحمید، خلیفه عثمانی، هیأتی را به ریاست شیخ الاسلام عثمانی مأمور کرده است که به اصلاح برنامه‌های مدارس اسلامی بپردازد، عبده دو لایحه در این باره تهیه کرد که یکی را به دربار عثمانی فرستاد و لایحه دیگر را به والی بیروت داد.<sup>۱۲</sup>

عبده در بیروت به تعلیم و تربیت پرداخت و در مدرسه سلطانیه و دو مسجد آن شهر به تدریس مشغول شد. او برنامه درسی مدرسه سلطانیه را اصلاح، و آن را به مدرسه عالی تبدیل کرد. در سال ۱۳۰۳ (ه. ق) رساله دهریه یا نیچریه اسدآبادی را با عنوان رساله فی ابطال مذهب الدهرین به عربی ترجمه کرد. او در دوره اقامت در بیروت شرحی بر نهج البلاغه نوشت که بیشتر به جنبه‌های ادبی آن پرداخته است. شرح نهج البلاغه نشانه‌ای از تساهل مذهبی عبده و دل بستگی او به یگانگی مسلمانان است. عبده در مورد اهمیت نهج البلاغه گوید:

در میان کسانی که به این لغت سخن می‌گویند، همگی اعتراف دارند که سخن امام علی بن ابی طالب (ع) بلیغترین سخنان بعد از کلام خدای تعالی و گفتار پیامبرش (ص) است و مایه سخن او از همه افزوتر و روش گفتارش از همه والاتر و در فراهم آوردن معانی بزرگ، سخن او از هر گفتاری جامعتر است. پس آنان که جوایز و اژه‌های گرانبه‌ایند و مشتاقند که از نردبان ادب، پله پله بالا بروند، شایسته است در حفظ این

کتاب بیش از هر چیز همت گمارند.<sup>۱۳</sup>

رسالة التوحيد اثر ديگر عبده است که بخشی از تقریرات او در بیروت بود.<sup>۱۴</sup> این کتاب را عبده در الازهر تدریس می‌کرد و اکنون نیز جزء کتب درسی الازهر است. ترجمه اردوی آن نیز در دانشگاه علیگره تدریس می‌شد.<sup>۱۵</sup> عبده در این کتاب مراحل گوناگون تحول فکر اسلامی، ریشه‌های جمود فکری مسلمانان و چاره‌های نظری رفع این جمود را بررسی کرده است.<sup>۱۶</sup> کتاب ديگر عبده شرح بر البصائر النصيريه زين الدين عمر بن سهلان الساوی در منطق است که از کتابهای مهم منطق، و درسی الازهر بود.<sup>۱۷</sup>

### عبده و مطبوعات

عبده نیز مانند اسدآبادی، مطبوعات را وسیله تعلیم و تربیت می‌دانست و از آنها به عنوان زمینه‌ساز اصلاح اجتماعی بهره گرفت. او مقالات متعددی در روزنامه الاهرام نوشت و تلاش کرد تا محیط تاریک تقلید را به روشنایی تعقل و تحقیق هدایت کند و توجه به علوم عقلی و روحانی را با کوشش در فراگیری علوم مادی و تجربی همراه سازد. برخی از مقالات او که در روزنامه الاهرام چاپ شده، عبارت است از: الکتاب و القلم، العلوم الکلاميه و الدعوة الى العلوم العصریه، المدبر الانسانی والمدبر العقلي الروحانی.<sup>۱۸</sup>

عبده، که از جانب ریاضی پاشا به سردبیری روزنامه رسمی کشور به نام "الوقایع المصریه" گماشته شد، این روزنامه را وسیله‌ای برای تبلیغ عقاید اصلاحی خود قرار داد و در آن، مقالات بسیاری در نقد نظام آموزشی و عادات اجتماعی و پاره‌ای از عقاید نادرست مصریان منتشر کرد.<sup>۱۹</sup>

همکاری عبده با اسدآبادی در پاریس در انتشار مجله عروة الوثقی با توجه به نقشی که این مجله در بیداری مسلمانان داشته، نشانگر گوشه دیگری از فعالیت‌های اصلاحی اوست. عبده در دوره دوم زندگی، یعنی بعد از جدایی از اسدآبادی که به عنوان مفتی اعظم مصر گمارده شد و در زمینه‌های مختلف دست به اصلاحات زد، مقالاتی در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رساند که کاربرد وسیع اصلاح را در ابعاد مختلف

فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد. نمونه این مقالات عبارت است از: اصلاح دینی و اجتماعی، اصلاح کتابهای علمی و روش آموزش، اصلاح امور داخلی کشور، اصلاح نفوس، اصلاح قضا، پایه‌های اصلاح، اصلاح خطابه، گفتگویی در باره اصلاح الازهر.<sup>۲۰</sup>

### عبده بعد از جدایی از اسدآبادی

عبده پس از شش سال تبعید توانست به مصر باز گردد. ناکامی عبده در فعالیتهای سیاسی و جدایی از اسدآبادی سبب شد که از شور و شوق سیاسی او کاسته شود و بشدت نسبت به سیاست بدبین شود<sup>۲۱</sup> و به روش قبل از قیام عراقی پاشا مجدداً به کار تدریس و تحقیق بپردازد. در این دوره عبده، که به عنوان مفتی اعظم مصر انتخاب شده بود، علاوه بر تدریس، اصلاحات گسترده‌ای در ابعاد مختلف زندگی مردم مصر به وجود آورد؛ به تعبیر دیگر او در این دوره فرصت یافت که افکار و اندیشه‌های خود را در زمینه‌های مختلف به مرحله اجرا در آورد. در این دوره بود که عبده زبان فرانسه را آموخت و با آثار متفکران غربی آشنا شد. او همچنین رساله‌ای از هربرت اسپنسر در زمینه تربیت به عربی ترجمه کرد و از افکار او برای نوسازی نظام آموزشی مصر بهره جست.<sup>۲۲</sup> عبده بعد از ورود به مصر در صدد برآمد در دارالعلوم به تدریس بپردازد ولی خدیو مصر، که افکار او را برای جوانان خطرناک می‌دانست به او اجازه تدریس نداد.<sup>۲۳</sup>

### عبده و اصلاح الازهر

عبده از دوران تحصیل نظر مساعدی نسبت به برنامه آموزشی الازهر نداشت و همواره در صدد اصلاح برنامه آموزشی این دانشگاه بود. اهمیت تجدید نظر در برنامه آموزشی الازهر در این بود که رشته حیات فرهنگ مسلمانان غرب اسلامی را در دست داشت و راهنمای آیین مردم بود؛ یعنی روش زندگی در دنیا و سعادت در آخرت را به آنها نشان می‌داد. بدیهی است اگر چنین مؤسسه‌ای اصلاح می‌شد، تأثیر بزرگی بر زندگی

مسلمانان داشت. به نظر عبده روش تدریس در الازهر چنان ضایع بود که نه تنها موجب ترقی علمی دانشجویان نمی‌شد بلکه سبب تیرگی اندیشه و آلودگی ذهنی ایشان نیز می‌شد. عبده در پاسخ یکی از علمای الازهر که به او گفت «تو خود در الازهر تعلیم دیده‌ای و دانش و کمالات نتیجه تحصیل در الازهر است» گفت «اگر من بهره‌ای از دانش صحیح داشته باشم - چنانکه می‌گویی - آن را تحصیل نکردم مگر اینکه پس از ده سال درنگ نمودم تا مغز خود را از آلودگی‌هایی که در الازهر به آن رسیده پاک کنم ولی تاکنون ذهنم به آن حد از پاکیزگی که می‌خواهم نرسیده است.<sup>۲۴</sup>

در سال ۱۳۱۰ هجری که خدیو توفیق در گذشت و عباس جانشین او شد، عبده خود را به خدیو نزدیک کرده و اصلاح در سه زمینه را که به مصالح آنی انگلیس صدمه نمی‌رساند، پیشنهاد کرد. این سه زمینه عبارت بود از دانشگاه الازهر، اوقاف و دادگاه‌های شرعی. به پیشنهاد عبده خدیو شورایی اداری برای الازهر معین کرد و عبده را به عضویت آن گماشت. بدین ترتیب شیخ فرصتی به دست آورد تا به آروزی دیرینه خود یعنی اصلاح الازهر نزدیک گردد. شورا اصلاحاتی در برنامه و شیوه درسی الازهر به عمل آورد؛ مثلاً برخی از دروس چون جبر و حساب بطور اجباری و تاریخ اسلام و جغرافیا و انشا بطور اختیاری به برنامه الازهر افزود و وسائلی برای رفاه طلاب فراهم کرد و حقوق استادان را افزایش داد. عبده خود نیز تدریس علم سیاست را به عبده گرفت. ولی همه این اصلاحات جنبه سطحی داشت و ریشه‌های عقب‌ماندگی را به حال خود رها کرد.<sup>۲۵</sup> به گفته مؤلف کتاب شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر (ص ۹۱) همین‌که عبده خواست کتابهای سودمندی برای تدریس در الازهر انتخاب کند و روش درس دادن را دگرگون سازد و برای طلاب امتحان مقرر دارد، بانگ و فریاد مخالفان بلند شد تا اینکه یکی از شیوخ الازهر به عبده نوشت «فراگرفتن حساب به روش عملی عقل را تباه می‌کند و افراد را از دین باز می‌دارد و امتحان طلاب از بزرگترین موانع تحصیل است.» علمای الازهر با اصلاحات عبده مخالفت کردند و خدیو را از عاقبت کار ترساندند و خدیو هم که مایل نبود رابطه خود را با علمای الازهر تیره سازد از ادامه

اصلاحات منصرف شد.<sup>۲۶</sup>

## عبده و تفسیر قرآن

عبده که در صدد بود علاوه بر اصلاح برنامه مراکز آموزشی، افکار توده مردم را نیز اصلاح کند، مناسبترین راه یعنی روش تفسیر قرآن را انتخاب کرد. او از دوران اقامت در بیروت در دو مسجد این شهر، قرآن کریم را تفسیر می‌کرد. روش تفسیر او در این مجالس همان روشی بود که بعدها در قاهره آن را ادامه داد. عبده خود را به پیروی از تفسیر مفسر و رأی خاصی مقید نمی‌کرد بلکه در هر آیه به اجتهاد شخصی سخن می‌گفت و نظر مفسری را که با آیات قرآن مناسبتر می‌دید، بر می‌گزید و به مناسبت آیه مورد بحث در زمینه احوال و عقاید مسلمانان سخن می‌گفت و به نقد و اصلاح اندیشه‌های آنان می‌پرداخت.<sup>۲۷</sup>

عبده در الازهر مجلس تفسیری برقرار کرد و جزء آخر قرآن را برای آموزگاران جمعیت خیریه اسلامی - که خود بنیانگذار آن بود - تفسیر نمود و این تفسیر به چاپ رسید. عبده در سایر مساجد قاهره جلسات تفسیر قرآن تشکیل داد. در مجالس درس تفسیر او بیش از هزار نفر از طبقات مختلف مردم شرکت می‌کردند و او از این راه تحول فکری وسیعی در مصر به وجود آورد.<sup>۲۸</sup> علاوه بر این عبده به مدت شش سال از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۳ (ق. ه) در الازهر املای تفسیر کرد که شاگردش محمد رشید رضا آن را تقریر کرد. او در این مدت قرآن را از ابتدا تا آیه ۱۲۶ سوره نسا تفسیر کرد و بعد از بازیینی عبده به نام تفسیر المنار چاپ شد.<sup>۲۹</sup> پس از فوت عبده از آیه ۱۲۶ سوره نسا تا آیه ۵۳ سوره یوسف را محمد رشیدرضا شاگرد او به همان روش تفسیر کرد.<sup>۳۰</sup> بدین ترتیب عبده به عنوان مفتی اعظم و صاحب سبک در تفسیر<sup>۳۱</sup> با اجتهاد در مسائل فقهی و ارائه نظریات نو در زمینه تفسیر، اصلاحات اجتماعی و وسیعی در زمینه‌های مختلف در مصر به وجود آورد.

عبده تعلیم و تربیت را شرط لازم هر نوع پیشرفت و تحول می‌دانست. او گفته است تربیت همه چیز است... و همه چیز بر اساس آن پایه‌ریزی می‌شود... و هر گمشده‌ای با

نبودن علم گم می‌شود و هرچه به وجود می‌آید با علم به وجود می‌آید.<sup>۳۲</sup> به همین لحاظ عبده در دوره اقامت در پاریس به اسدآبادی پیشنهاد کرد که سیاست را رها کند و با هم به محلی بروند که تحت مراقبت دولتها نباشد و با تربیت شاگردان، آنان را برای برنامه اصلاحی خود آماده سازند ولی اسدآبادی نپذیرفت.<sup>۳۳</sup>

اسدآبادی بر این باور بود که در دوره نیرومندی مسلمانان، علوم و معارف فلسفی نیز پیشرفته بود. او عقب‌ماندگی و نادانی مسلمانان را نتیجه تباهکاری حکومت‌های استبدادی و قدرتهای استعماری می‌دانست که موجب گردید آنان با علم و فلسفه بیگانه شوند. او بر این باور بود که این بیگانگی با آزادی سیاسی و پیشرفت اجتماعی و فکری مسلمانان از میان بر می‌خیزد و رواج علم و معرفت، فرع بر احیای فکر دینی و تقویت مبانی ایمانی است.<sup>۳۴</sup>

عبده، که روش اسدآبادی را تأیید نمی‌کرد به او انتقاد کرد و گفت "سید بجز در مصر در هیچ جا کاری واقعی انجام نداد" و بهتر آن بود که او به جای آلوده شدن به دسائس درباری در قسطنطنیه تلاش می‌کرد که سلطان را به اصلاح نظام آموزشی عثمانی تشویق کند و همین مطلب موجب تیره شدن روابط آن دو گردید.<sup>۳۵</sup>

### نتیجه‌گیری

شیخ محمد عبده از شخصیت‌هایی بود که بر اصلاح جامعه و احیای تفکر دینی تأکید داشت. او بر خلاف سیدجمال‌الدین اسدآبادی که معتقد بود اول باید حکومت اصلاح شود و اصلاح حکومت، مقدمه اصلاح جامعه است، بر این باور بود که اول باید نظام تعلیم و تربیت اصلاح شود تا جامعه اصلاح گردد. همچنین وی بر این باور بود که اصلاح باید تدریجی باشد نه انقلابی و سیاسی. تدریس و تحقیق در دانشگاه الازهر، تأکید بر اصلاح روش تدریس دانشگاه الازهر، انتشار کتاب شرح نهج البلاغه و رساله توحید، سردبیری نشریه الوقایع المصریه، پذیرش منصب مفتی اعظم مصر و روش تفسیر قرآن از جمله اقداماتی بود که شیخ محمد عبده از آنها در راه اصلاح تعلیم و تربیت سود جست. عبده همانند سید جمال، مطبوعات را وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت و زمینه‌ساز



اصلاح اجتماعی می‌دانست.

در مجموع با توجه به تلاشهای طاقت‌فرسای شیخ محمد عبده و موفقیت‌هایی که در این زمینه داشت، وی نتوانست ریشه اصلی عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را کشف کند، بلکه بیشتر اصلاحات او سطحی و روبنایی بود.

## یادداشتها

۱- عقاد، عباس محمود، عقبری‌الاصلاح و التعلیم الامام محمد عبده، ص ۶۹ - ۷۱، دارالکتب العربی، بیروت

۱۹۷۱

۲- همان، ص ۷۳

۳- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۱۸

۴- عقاد، عباس محمود، عقبری‌الاصلاح و التعلیم الامام محمد عبده، ص ۱۴۱

۵- حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، ص ۴۷ - ۴۸

۶- همان، ص ۴۶ - ۴۷

۷- همان، ص ۴۶ - ۴۷

۸- همان، ص ۵۰

۹- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۱۹

۱۰- عقاد، عباس محمود، عقبری‌الاصلاح و التعلیم الامام محمد عبده، ص ۱۴۱ به بعد

۱۱- حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، ص ۵۹

۱۲- همان، ص ۸۰ به نقل از زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث، ص ۳۰۹

۱۳- علی بن ابی طالب (ع)، نهج البلاغه، شرح الامام الشیخ محمد عبده، ج ۱، ص ۸، مکتبه الاندلس بیروت ۱۳۷۴

هجری قمری

۱۴- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۲۳

۱۵- حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، ص ۷۵

۱۶- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۳۱ به بعد

۱۷- حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، ص ۷۶

۱۸- همان، ص ۴۶ به نقل از تاریخ الاستاذ الامام، ج ۲، ص ۳۹ به بعد

۱۹- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۱۹. برای اطلاع از فهرست مقالاتی که در روزنامه

الوقایع المصریه چاپ شده رجوع شود به عقاد، عباس محمود، عقبری‌الاصلاح و التعلیم الامام، محمد عبده، ص ۱۴۳

و حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، ص ۵۵-۵۶

۲۰- مرآد، آو... نهضت بیدارگری در جهان اسلام، ترجمه سیدمحمد مهدی جعفری، ص ۴۲

۲۱- زیان حال عبده در این دوره چنین است: اعوذ بالله من السیاسه و من لفظ السیاسه... و من ساس و یسوس و

سانس و مسوس (عقاد، عباس محمود، عقبری‌الاصلاح و التعلیم و الامام، محمد عبده، ص ۱۲۹)

- ۲۲- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۲۳- ۱۲۹
- ۲۳- همان، ص ۱۲۳
- ۲۴- حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، ص ۹۰
- ۲۵- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۲۵
- ۲۶- برای اطلاع بیشتر در این زمینه رجوع شود به عقبری الاصلاح و التعليم الامام محمد عبده، ص ۱۴۴ - ۱۵۵
- ۲۷- حسینی طباطبایی، مصطفی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، ص ۷۴
- ۲۸- همان، ص ۹۲
- ۲۹- ذهبی، دکتر محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۵۵۳ - ۵۵۴، چاپ دوم ۱۳۹۶
- ۳۰- همان، ص ۵۷۷
- ۳۱- برای اطلاع بیشتر از خصوصیات تفسیر المنار رجوع کنید به همان مرجع، ج ۲، ص ۵۵۴ - ۵۷۵ و ۵۷۹ -

۵۸۹

۳۲- عماره، محمد، الأعمال الكاملة للامام محمد عبده، ص ۱۵۱

۳۳- همان، ص ۱۵۵ - ۱۵۶

۳۴- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عبده، ص ۱۱۱

۳۵- همان، ص ۱۵۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی